

Comparison of conditions and policies for compensation of innocent prisoners in the Iranian and American legal systems

Abstract

With all the measures and measures provided to control the detention of an innocent person in the international dimension and the domestic law of countries, there are many cases in which the accused is not entitled to detention and unjustly detained without observing the legal conditions or He was imprisoned due to a judicial error. In such cases, compensation for the innocent detainee is an important issue that needs to be addressed due to the violation of the fundamental rights of individuals.

The question that arises in this case is how an innocent detainee can seek compensation. The findings of the study indicate that in both the Iranian and American legal systems, despite the differences in substance (positive and negative) and the form and manner of claiming compensation, there are similarities between the two legal systems and Civil liability for compensation to an innocent prisoner in both systems is the responsibility of the state, The difference is that in Iranian law, while the state can refer to the main official if the detention is the result of a biased declaration of guilt, false testimony or the fault of judicial authorities, in American law, due to the judges' absolute immunity, the responsibility is generally paid. The state must bear the damage.

This article tries to use descriptive-analytical method, Examine the conditions, proceedings and manner of claiming damages for innocent prisoners in the Iranian legal system with a look at US law

Keywords: Compensation, Commission, Innocent Prisoner, Material Damage, Moral Damage

مقایسه شرایط و سیاست های پرداخت خسارت به زندانی بی گناه در نظام حقوقی ایران و آمریکا

مسلم غلامی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷

چکیده:

با تمام تلاشها جهت کنترل بازداشت شخص بی گناه در بعد بین المللی و حقوق داخلی کشورها پیش بینی شده است، موارد زیادی اتفاق می افتد که متهم استحقاق بازداشت را نداشته و من غیر حق و بدون رعایت شرایط و ضوابط قانونی بازداشت و یا بر اثر اشتباه قضایی زندانی شده است. در چنین مواردی جبران خسارت فرد بازداشت شده بی گناه از موضوعات مهمی است که بررسی آن به دلیل نقض حقوق اساسی افراد امری ضروری است.

سوالی که در این مورد مطرح می شود فرد بازداشت شده بی گناه، چگونه و با رعایت چه شرایطی می تواند تقاضای جبران خسارت نماید. یافته های تحقیق بیانگر این موضوع است که در هر دو نظام حقوقی ایران و آمریکا، علیرغم وجود تفاوت هایی در شرایط ماهوی (ایجابی و سلبی) و شکلی و نحوه تقاضای مطالبه جبران خسارت، شباهت هایی بین این دو نظام حقوقی وجود دارد و حتی مسئولیت مدنی پرداخت خسارت به زندانی بی گناه در هر دو نظام بر عهده دولت می باشد، با این تفاوت که در حقوق ایران در صورتی که دولت می تواند به مسئول اصلی مراجعه نماید که بازداشت ناشی از اعلام مغرضانه جرم، شهادت نادرست و یا تقصیر مقامات قضایی باشد ولی در حقوق آمریکا با توجه به برخورداری قضات از مصونیت مطلق، به طور کلی مسئولیت پرداخت خسارت را دولت باید تقبل نماید.

این مقاله تلاش دارد با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، شرایط، مرجع رسیدگی و نحوه مطالبه جبران خسارت زندانی بی گناه را در نظام حقوقی ایران با نگاهی به حقوق آمریکا، بررسی نماید.

واژگان کلیدی: جبران خسارت، کمیسیون، زندانی بی گناه، خسارت مادی، خسارت معنوی

عدالت قضایی ایجاب می نماید که اگر فردی به اشتباه مدتی را بدون دلیل قانونی در زندان سپری کرد و در نهایت در خصوص اتهام انتسابی به وی قرار منع تعقیب و یا حکم برائت صادر شود، خسارت لازم و کافی به وی پرداخت شود، مفهوم خسارت و شیوه های جبران آن در همه نظام های حقوقی تا حدی یکسان می باشد، آنچه محرز است در صورت وجود ضرر، خسارت باید جبران شود و از مهمترین موارد جبران خسارت موضوع زندانی بی گناه می باشد.

در حوزه مسائل حقوقی و کیفری در اسناد بین المللی تمایل روزافزونی به استفاده و بهره گیری از ابزاری جهت خسارت زدایی از زندانی بی گناه، پیش بینی شده است که حقوق ایران نیز با اتکا به مبانی حقوقی و فقهی از جمله قاعده لاضرر، اصل برائت، اصل زمان و اصل مسئولیت دولت در قبال شهروندان، چتر حمایتی خود را از زندانیان بی گناه، با تصویب قانون آئین داری کیفری ۱۳۹۲ گسترانیده است. در آئین داری کیفری برائت نوعی شک در تکلیف لحاظ نمی گردد بلکه مفهوم این است که مجرمیت متهم به صورت فرع می باشد و در برخورد مقدماتی، بی گناه تلقی شود (قاضی، ۱۳۹۴: ۷۵)، در حقوق آمریکا نیز بر اساس قاعده عدالت قضایی، منفعت دولت به مصلحت عمومی و اصل مسئولیت دولت، این امر نیز به رسمیت شناخته شده است، که در صورت محکومیت و یا بازداشت فرد بی گناه بایستی خسارت وی جبران گردد، اما در عمل و نحوه رسیدگی به این مسئله، بین نظام حقوقی ایران و آمریکا تفاوت هایی وجود دارد، از جمله در حقوق ایران صرفاً نهادی مستقل و خاص جهت رسیدگی به جبران خسارت زندانی بی گناه مقرر شده، در حالی که در آمریکا علاوه بر هیئت ها، دادگاه نیز صلاحیت رسیدگی به موضوع را دارد و همچنین در خصوص نحوه ارزیابی خسارت نیز تفاوت هایی وجود دارد، چرا که تقسیم بندی خسارت در حقوق آمریکا متفاوت و این نظام توجه کمی به آن دارد.

آن قدر که جبران خسارت برای آن نظام اهمیت دارد، تقسیم بندی خسارت اهمیت ندارد، با این حال به خاطر اینکه مفهوم جبران خسارت تابع تفاسیر اجتماعی از مفهوم عدالت نسبی می باشد؛ در برخی موارد صلاح در این می باشد که اصل تقصیر حکمرانی نماید و در پاره دیگر مسئولیت محض و در بعضی موارد هم عدالت اقتضا می نماید (صفایی، ۱۳۵۵: ۲۵۸).

به هر حال در حقوق ایران بسیاری از حقوقدانان، خسارت را از آن جهت که به دارایی ها و حقوق مالی وارد می شود خسارت مادی و از آن جهت که موجب لطمه بر سرمایه می باشد معنوی است خسارت معنوی دانسته اند. در بسیاری از نوشته های حقوقی و در قوانین بسیاری از کشورها از این تقسیم خسارت پیروی شده است (لوراسا، ۱۳۷۶: ۱۰۸).

جبران خسارت

جبران خسارت به معنای برگرداندن چیزی به صاحب اصلی می باشد. جبران خسارت در نظام های حقوقی مختلف مورد توجه قرار گرفته است. در قوانین ایران و حقوق آمریکا یکی از نکاتی که به عنوان یک اصل مسلم حقوق بشری به آن اشاره شده است، لزوم جبران خسارت از کسانی است که بدون دلیل موجه، بازداشت شده اند می باشد. در ادامه تلاش شده است شرایط ایجابی و سلبی جبران خسارت زندانی بی گناه در نظام حقوقی ایران با توجه به حقوق آمریکا بررسی گردد.

شرایط ایجابی جبران خسارت در حقوق ایران و امریکا

جبران خسارت بازداشت زندانی بی گناه تابع شرایطی می باشد که در صورت وجود این شرایط، امکان پرداخت خسارت وجود خواهد داشت؛ در حقوق ایران مطابق ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت گردند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر گردد، می توانند خسارت ایام بازداشت را طلب نمایند. مفاد این ماده که یکی از نوآوریهای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است و در حقوق آمریکا نیز جبران خسارت محدود به شرایطی می باشد که ابتدا شرایط در حقوق ایران و سپس حقوق آمریکا بیان می شود.

بازداشت شخص

ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری برای تعلق حق جبران خسارت، دو شرط را تعیین کرده است. اول این که این افراد باید در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی بازداشت شده باشند. بر اساس این شرط، تحقق بازداشت کافی است و لزومی ندارد که این مسأله حتماً به موجب قرار بازداشت موقت اتفاق افتاده باشد. بلکه گاه، بازداشت متهم نتیجه صدور قرارهای دیگر یعنی وثیقه و کفالت و عدم معرفی کفیل یا وثیقه از سوی متهم است.

نخستین شرط برای مطالبه خسارت طبق ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک این می باشد که ذینفع با صدور قرار، بازداشت شده باشد. به موجب ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک قاضی قادر است در صورت امکان شرایط مذکور در ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک، جهت دسترسی به متهم، ممانعت از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق زیان دیده ی پرونده کیفری و جبران خسارت وی، قرار بازداشت موقت متهم را صادر نماید. همچنین در مواردی که بازپرس اقدام به صدور قرار کفالت یا وثیقه می نماید و قرار صادر شده به دلیل عدم معرفی کفیل یا عدم ارائه وثیقه از سوی متهم، منتهی به بازداشت وی شود (ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک)، مفاد ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک قابل اعمال است. این برداشت صریحاً از عبارت «به هر علت» قیدشده در ماده پیش گفته استنباط می شود. علاوه بر این، با توجه به گزاره «در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی» قید شده در ماده ۲۵۵، نه تنها قرارهای تأمین کیفری صادره از سوی دادسرا بلکه قرارهای تأمین کیفری منجر به بازداشت موقت که دادگاه های کیفری صادر می کنند نیز شامل مواد ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری به بعد قرار می گیرد.

صدور رأی برائت یا قرار منع تعقیب

شرط دوم از متن ماده قانونی چنین برداشت می شود که ضرورت قرار منع تعقیب یا صدور حکم برائت برای بازداشت شدگان است. در نگاه اول به نظر می رسد که به محض صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت، حق جبران خسارت برای افراد بازداشت شده ایجاد می شود. با این حال مواد قانونی بعدی چنین برداشتی را تأیید نمی کنند. چرا که در ماده ۲۵۷ و در مقام بیان شرایط شکلی تقاضای جبران خسارت، قانون گذار کاملاً بحق و منطقی، حکم قطعی بی گناهی را لازم دانسته است. بدین ترتیب حکم بدوی برائت یا منع تعقیب غیر قطعی، افراد بازداشت شده را شایسته جبران خسارت نمی سازد.

بر اساس آنچه گفته شد، فرد بازداشت گردیده در صورتی قادر است خسارات ناشی از بازداشت را طلب کند که فرایند دادرسی که در جریان آن وی بازداشت بوده، منتهی به صدور قرار منع تعقیب از سوی دادسرا یا حکم برائت از سوی دادگاه شود (ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک). علاوه بر این، درخواست مطالبه خسارت در صورتی قابلیت پذیرش دارد که حکم برائت یا قرار منع تعقیب صادر گردیده قطعیت داشته باشد (ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک).

بدین صورت، اگر رسیدگی به اتهام شخصی که در زمان طولانی در بازداشت بوده است، منجر به حکم محکومیت شود، بازداشت مزبور، هر چند به مدت طولانی، نمی‌تواند مبنای طلب خسارت به استناد ماده ۲۵۵ ق. آ. د. ک واقع شود. سوالی که قابل طرح می‌تواند باشد این است که در صورت بازداشت فرد در فرایند تحقیقات و سپس، صدور قرار موقوفی تعقیب به استناد ماده ۱۳ ق. آ. د. ک، فرد بازداشت شده قادر است خسارت زمان بازداشت را درخواست نماید؟ در پاسخ به سؤال مذکور باید مطرح کرد با توجه به صراحت متن قانون پاسخ منفی می‌باشد زیرا قانون صرفاً به براءت و منع تعقیب اشاره کرده است.

ماده ۲۵۵ ق. آ. د. ک، به قرار منع تعقیب یا صدور حکم براءت به عنوان شرط مطالبه خسارت اشاره کرده است و از قرار موقوفی تعقیب ذکر به میان نیامده است. خسارت فرد بازداشت گردیده در این مورد غیر قابل جبران بیان گردیده است و دلیل آن «عدم اظهار نظر ماهوی در مورد ارتکاب یا عدم ارتکاب عمل مجرمانه توسط متهم» قید شده است (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۶۴) با این وجود، پذیرش این دیدگاه به صورت مطلق به ویژه بنا به پیشینه موضوع مشکل به نظر می‌رسد.^۱

ورود ضرر و زیان با توجه به ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری

با نظر به ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ضرورت احراز رابطه علیت در خصوص چگونگی اثبات خسارت قابل مطالبه امری است که مشمول قواعد کلی می‌باشد که خصوصیات خاص دعوی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت ایجاب می‌نماید به برخی از زوایای ارکان مسئولیت مدنی در دعوی قید شده اشاره کنیم.

الف- ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری خسارت قابل جبران را به ماده ۱۴ قانون قید شده احاله نموده است. بنابراین شخص بازداشت شده قادر است تمام خسارت را که به موجب بازداشت به وی وارد شده را طلب نماید، به شرط اینکه خسارت قید شده و رابطه علیت بین بازداشت و زیان وارد شده اثبات گردد؛ مرجع رسیدگی، میزان زیان و شیوه و چگونگی جبران آن باتوجه به اوضاع احوال قضیه تعیین می‌نماید

ب- در مواردی که فرد بازداشت شده متحمل هزینه گردیده یا از درآمد مسلم خود در ایام بازداشت محروم گردیده باشد، این خسارت در صورتی قابلیت مطالبه دارد اگر پست سازمانی شخص در زمان بازداشت معلق شود و پس از آزادی وی در همان پست به کار گرفته شود، درآمد وی در زمان تعلیق قابل مطالبه می‌باشد.

پ- در خسارت معنوی ناشی از محرومیت از آزادی به فرد بازداشت شده را می‌توان وضعیت خانوادگی، روحی و جسمانی شخص متهم به عنوان معیار در ارزیابی خسارت معنوی لحاظ نمود. علاوه بر این، مواردی

۱ - مبنای نگارش ماده ۲۵۵ ق. آ. د. ک، ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه بوده است. در ماده اخیرالذکر، به جبران خسارت شخص بازداشت شده پس از صدور قرار منع تعقیب دادسرا (Decision de lieu - non)، رأی براءت دادگاه جنایی (acquittement 'd Décision) یا رأی براءت سایر مراجع کیفری (Decision de relaxe) اشاره شده است. تفکیک قرارهای کیفری به منع و موقوفی تعقیب در حقوق ایران، در آیین دادرسی کیفری فرانسه وجود ندارد و برای هر دو مورد از اصطلاح (lieu - Decision de non) استفاده می‌شود. برای نمونه در حالی که در حقوق ایران، فوت متهم در جریان دادرسی از موجبات صدور قرار موقوفی تعقیب است (بند الف ماده ۱۳ ق. آ. د. ک)، در حقوق فرانسه از موارد صدور قرار منع تعقیب می‌باشد (ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه). ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه با اعلام اصل جبران همه خسارات ناشی از بازداشت موقت منتهی به قرار منع (و موقوفی تعقیب یا رأی براءت، استثنای وارد بر اصل، از جمله اعلام عفو بعد از بازداشت شدن شخص و یا شمول مرور زمان دعوی عمومی پس از آزادی شخص بازداشت شده را احصا نموده است. به نظر می‌رسد در انشای ماده ۲۵۵ ق. آ. د. ک کشورمان به نکات پیش گفته توجهی نشده است.

همچون انفکاک پدر یا مادر از تنها فرزند خود و دوری از همسر و فرزندان به ویژه کودکان خردسال به عنوان معیار ارزیابی خسارت معنوی مورد توجه قرار گیرد (پروین، ۱۳۸۰: ۱۲۰).

ث- خسارت ناشی از زندان فرد را می توان بر اساس هر روز بازداشت محاسبه کرد هرچند قانونگذار معیار یا مبلغی را به عنوان خسارت تعیین نکرده، با این همه، مبلغ قیده شده در تبصره ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک (سیصد هزار ریال) را می توان به عنوان حداقل خسارت برای هرروز بازداشت در نظر گرفت، جبران خسارت در حقوق آمریکا نیز دارای شرایط ایجابی است:

۱- شخص باید مدتی را در زندان و یا بازداشتگاه به سر برده باشد، قانون نیویورک به این موضوع اشاره صریح دارد و تاکید بر زندانی بودن فرد می نماید، همچنین قانون کلمبیا نیز اشاره بر این که فرد بصورت ناعادلانه در زندان باشد دارد (layne,2010: 15-20).

۲- متهم از اتهامات کاملاً تبرئه شده باشد، تبرئه شدن همیشه به معنای بی گناهی متهم نیست چرا که در بعضی از موارد یک متهم فقط به دلیلی تبرئه شده است که تحقیقات پلیس ضعیف بوده و یا دلیل و شاهد، کافی نبوده است (keith, 1976:719).

که با توجه به شرایط فوق الذکر، نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا به دو شیوه سعی در جبران خسارت وارد بر اشخاص را دارد:

۱- از طریق حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا (Tort law) که مطابق نظر دادگاهها و با رعایت حداکثر فردگرایی به صدمه دیدگان پرداخت می شود.

۲- از طریق مقررات مدونی که نهادهای تخصصی دارای قدرت قانون گذاری به یاری مطالعات و پژوهش های مستمر و بازارهای کار و نظرسنجی وضع می کنند. و در آن غرامت به شیوه یکسان تعیین می شود. در آمریکا ساختار حقوق جبران خسارت ناشی از خطا از این دو بدنه حقوقی تشکیل یافته است.

در نظام حقوقی کامن لا، قربانیان جنایت و خطا و همین طور بستگان آنها نمی توانستند خسارات ناشی از فعل زیان بار را مطالبه نمایند، در نتیجه دادگاهها با مشکلات ناشی از دشواری محاسبه این خسارات مواجه نبودند. اما با شروع قرن نوزدهم میلادی در بسیاری از ایالت های آمریکا قواعدی وضع شد که امکان مطالبه غرامت را فراهم می نمود، پس از اینکه حقوقدانان آمریکایی در صدد برآمدند تا راهی بیابند که این خسارات به نحو مطلوبی جبران شود (Dobbes, 1993: 44-51) لذا به مرور زمان دو سیستم حقوقی برای جبران خسارت در نظام ایالات متحده ایجاد گردید یکی سیستم حقوقی مدون و دیگری سیستم مسئولیت ناشی از خطا.

به نظر می رسد عمده عامل افتراق این دو سیستم را باید در طرز نگرش آنها به خسارت جستجو کرد آنچه باعث شده که نهادهای مستقل قانون گذاری تمایل به سیاست یکسان سازی در پرداخت غرامت داشته باشند و اما در مقابل دادگاهها خواستار درجه بیشتری از فردگرایی در محاسبه خسارت وارده به افراد باشند این است که مقررات مدون دیدگاهی پیش از وقوع حادثه آمده و مد نظر قرار داده در حالی که در سیستم حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا دادگاهها رویکردی پس از وقوع حادثه را اتخاذ نموده اند هر یک از ایالت های آمریکا حسب مقتضیات تاریخی و فرهنگی یکی از این دو سیستم و یا هر دو آنها را به صورت تلفیقی اعمال می نمایند (Dobbes,1993: 445)

اساس حقوق امریکا بر رویه قضایی مبتنی است و اگرچه قوانینی هم وجود دارد و لیکن گذشت زمان و صدور آرای متنوع، سبب ایجاد قواعد حقوقی متعدد و جدید شده است که یکی از تخصصی‌ترین سازکارهای رسیدگی به ادعاهای افراد جهت ادعای بی‌گناهی در کشور آمریکا، قانونی است که در سال ۲۰۱۰ طرح و در سال ۲۰۱۴ به تصویب مجلس نیویورک رسید در واقع می‌توان گفت مهم‌ترین گام ایالت نیویورک جهت اصلاح عدالت کیفری در خصوص محکومانی که مدعی بی‌گناهی اند، تصویب «قانون عدالت برای بی‌گناهی واقعی» است. این قانون به گونه‌ای طراحی شده که با نگاهی تخصصی به بی‌گناهی واقعی، یعنی محکومی که اساساً مرتکب جرم انتسابی نشده است، محکومیت صادر شده را به چالش می‌کشد و سعی می‌کند موانع اثبات بی‌گناهی فردی که به اشتباه محکوم شده را از بین ببرد. بر طبق این قانون این امکان برای محکوم علیه فراهم شده تا در صورتی که بتواند با استفاده از ادله واضح و قانع‌کننده ثابت کند، کنش‌گران حرفه‌ای نظام عدالت کیفری (مانند پلیس، بازپرس، دادستان و قاضی) در محکومیت مرتکب خطا شده اند، از محکومیت رهایی می‌یابد همچنین دادگاهها می‌توانند همه ادله‌های موجود را در نظر گرفته و نسبت به پرداخت خسارت اقدام نمایند (cytryn,2012:469)

متمم اول همراه با متمم چهاردهم قانون اساسی آمریکا دولت را منع می‌کند از "محدود کردن آزادی بیان یا آزادی مطبوعات، یا حق مردم برای تجمع آرام و صلح آمیز یا طرح دعوا بر علیه دولت برای جبران خسارت"، این آزادی‌هایی که به صورت بارز و مؤکد تضمین شده اند دارای وجه مشترکی هستند که نحوه عملکرد دولت را شامل می‌گردند بدیهی است مهم‌ترین جلوه و زمینه کاری دولت که مستقیماً زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد شیوه‌ای است که محاکم کیفری بر اساس آن اداره می‌شوند و آن دسترسی علنی به دادگاه و رسیدگی باز در آنها است، یعنی برگزاری محاکمه در مقابل هر تعداد افرادی که مایل به حضور می‌باشند و می‌تواند نظارت دائمی مردم بر محاکم تضمین‌گر رعایت این حقوق باشد.

شرایط سلبی جبران خسارت در حقوق ایران و آمریکا

شرایط سلبی موانع مطالبه خسارت برای فرد بازداشت شده می‌باشد حتی اگر تمامی شرایط ایجابی در خصوص متهم بازداشت شده وجود داشته باشد. قانونگذار ایران در ماده ۲۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری به ۴ شرط سلبی اشاره کرده است بدین مفهوم که اگر هر یک از شروط قید شده در این ماده در خصوص افراد بازداشت شده، صدق کند این افراد مشمول حق جبران خسارت نخواهند شد

بازداشت ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی

در بند «الف» ماده ۲۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ آمده است: بازداشت فرد ناشی از خودداری از ارائه ادله بی‌گناهی و مدارک آن باشد. قانونگذار به موجب این بند افرادی را که قصورشان در ارائه ادله به نفع خویش، منتهی به بازداشتشان شده را از شمول قاعده جبران خسارت خارج کرده است. آنچه که در مواجهه با این شرط بیشتر از هر چیزی جلوه‌گر می‌شود این سؤال است که ارائه ادله و استناد با آنها تکلیف کدامیک از طرفین دعوای کیفری است؟ در حقیقت، عملکرد طرفین یک دعوای کیفری در قبال دلیل عبارت است از «استناد به آن در جهت غلبه بر طرف مقابل. لازمه این استناد آن است که بدو دلیل تحویل شده باشد. لذا بلافاصله این پرسش به ذهن می‌رسد که تحویل دلیل و اقامه آن با کیست؟ به بیان دیگر بار اثبات دعوی بر عهده کدام طرف می‌باشد؟ پاسخ گویی به این پرسش، موقوف به لحاظ یکی از اصول بنیادین حقوق جزا و دادرسی کیفری یعنی اصل برائت است. یکی از آثار اصل برائت این است که مدعی مکلف است، جهت اثبات

ادعای خود دلیل ارائه کند. در واقع این مدعی است که می بایست ثابت کند که قضیه مورد ادعا اتفاق افتاده است. بر این اساس، منظور از بار اثبات، تکلیف مدعی به اثبات ادعاهایی است که در جریان رسیدگی در مقابل طرف دعوا مطرح می کند. در دادرسی های کیفری اصولاً بار اثبات برعهده دادستان است و او وظیفه دارد که به عنوان مقام صالح در تعقیب دعوی عمومی، عناصر تشکیل دهنده جرم مورد ادعا را به اثبات برساند. متهم فاقد امکاناتی است که دادرسی برای کشف حقیقت در اختیار دارد و چه بسا که مکلف ساختن وی به اثبات ادعای خود، بویژه آنگاه که در بازداشت موقت به سر می برد، مانع کشف حقیقت شود. بر این اساس حتی برخی حقوقدانان (منصورآبادی، ۱۳۸۳: ۳۵۸) اعتقاد دارند دادستان مکلف است دامنه تحقیقات خود را به شرایط مساعد به حال متهم نیز گسترش دهد. به بیان دیگر، بر عهده دادستان است که به همان نسبت که به تحصیل دلایل موجود علیه متهم می پردازد، نسبت به تحصیل دلایل مساعد به حال متهم نیز اقدام نماید.^۱ گر چه بیان این گروه از حقوقدانان با حقوق متهم و ملاحظات عملی ناشی از عدم تساوی متهم و دادستان و ... سازگارتر است، ولی باید اذعان کرد که از لحاظ عملی وضعیت عکس این است؛ چرا که در عمل مقام تعقیب همواره در پی اثبات اتهام و متهم در پی رفع اتهام از خود است. شاید قانونگذار دادرسی کیفری نیز با بیان عدم ارائه اسناد و مدارک بی گناهی توسط متهم به عنوان مانعی برای درخواست جبران خسارت، همگام با فضای حاکم بر پرونده های کیفری در عمل، گام برداشته است. با این حال به نظر می رسد مانع ذکر شده را باید ناظر به مواردی دانست که متهم علیرغم آگاهی از اسناد و مدارک دال بر بی گناهی خود و دسترسی به آنها با انگیزه پنهان کاری از ارائه و استناد به این مدارک و ادله خودداری نماید. در واقع در برخورد با این مسأله باید اصل براءت را ملاک قرار داد و با این نگاه که ارائه ادله اساساً وظیفه دادستان و نه متهم است، به قضیه نگریست.

روشن می باشد که در این مورد، مدارک، اسناد و ادله بی گناهی باید در اختیار فرد باشد و وی به صورت اختیاری از ارائه آنها اجتناب کند در حقیقت شخصی که ادله بی گناهی خود را در اختیار دارد و علی رغم آگاهی و توانایی در ارائه آنها، مدارک مزبور را به منظور جلوگیری از بازداشت خود به مقام قضایی تحویل ندهد، بر اساس قاعده اقدام، به زیان خود اقدام و زمینه بازداشت خود را فراهم کرده است و بنابراین مستحق جبران خسارت نیست.

بازداشت ناشی از فراری دادن مرتکب

برای احراز این شرط، متهم بازداشت گردیده باید نقش فعالی را به منظور فراری دادن مرتکب جرم انجام دهد، مانند اینکه به ارتکاب جرم به نادرست اقرار کند و یا با حضور در صحنه جرم و در دست گرفتن وسایل جرم، خود را در معرض بازداشت قرار دهد. بعضاً در پرونده های کیفری اتفاق می افتد افراد به انگیزه های مختلف احساسی و ... خود را خلاف واقع، مرتکب جرم معرفی کرده و موجبات رهایی مجرم واقعی را فراهم می آورند. مسلماً فرد بازداشت شده در این موارد، اقدام ضرری انجام داده و خود باعث ورود خسارت و

^۱ - «با توجه به اینکه محکومیت کیفری منوط به احراز استحقاق متهم است و استحقاق یا عدم استحقاق متهم برای محکومیت به شرایط متعددی وابسته است و چه بسا که متهم از شرایطی که بتواند بر بی گناهی او مؤثر باشد، بی اطلاع بوده و قادر به طرح آنها نباشد. بنابراین، اگر نسبت به وجود یا عدم این شرایط تردید حاصل شود و با اوضاع و احوال حاکی از وجود شرایط مساعدی به حال متهم باشد، دادگاه باید بررسی لازم را برای پی بردن به صحت و سقم آن انجام دهد مقام تعقیب نیز مکلف است مساعی خود را در این زمینه به کار بندد»

آسیب حاصل از بازداشت بر خود شده است. بنابراین منطقی است که وی حقی برای جبران خسارات ناشی از بازداشت نداشته باشد. در واقع بر اساس قاعده اقدام، اگر کسی با علم و آگاهی رفتاری انجام دهد که موجب ورود خسارت بر وی، از سوی دیگران گردد، شایسته جبران خسارت نیست و به عبارت دیگر وی با علم و قصد و رضا ضرر و ضمانی را پذیرفته است (محمدی، ۱۳۸۰: ۲۲۵). اگر چه جایگاه این قاعده در امور خصوصی و مدنی است، اما در زمینه مورد نظر ما نیز قابل اعمال است. چرا که متهم در این حالت، با معرفی خود به جای مرتکب جرم نه تنها موجبات بازداشت و ورود ضرر بر خودش را فراهم کرده بلکه نظام عدالت کیفری را فریب داده و سردرگم نموده است.

بازداشت به علت قانونی دیگر

در زمانی که متهم به اتهام ارتکاب دو یا چند جرم از سوی مراجع قضایی تحت تعقیب قرار می‌گیرد و نسبت به هر یک از اتهامات به صورت جداگانه قرار تأمین کیفری صادر شود و قرارهای مزبور منتهی به بازداشت گردد و سپس، نسبت به یکی از جرایم مزبور که به موجب آن بازداشت شده، قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر و قطعی گردد، در این صورت متهم نمی‌تواند نسبت به زمان بازداشت خود ادعای مطالبه خسارت کند، زیرا در همان ایام و نسبت به اتهامات انتسابی دیگر نیز به موجب قرار جداگانه در بازداشت بوده. در این موارد، متهم تنها در صورتی می‌تواند خسارت ناشی از بازداشت را مطالبه کند که نسبت به همه اتهامات انتسابی به وی قرار منع تعقیب یا حکم برائت تحصیل شود. مثل موردی که متهم به دلیل جرم دیگری در بازداشت بوده و یا در حال گذراندن دوران مجازات قانونی به دلیل یک محکومیت دیگر می‌باشد. بر این اساس حتی اگر قرار بازداشت هم برای وی صادر نمی‌گردید، به دلایل آنچه گفته شد ناچار از گذراندن مدت زمانی در بازداشتگاه می‌باشد.

به هر حال مشروط کردن جبران خسارت به شرایط خاص یا عدم پرداخت آن در صورت وجود برخی از موانع مختص به قانون ایران نیست و در قوانین دیگر کشورها نیز دیده می‌شود. به دیگر بیان، جبران خسارات ناشی از بازداشت موقت غیر موجه، در آمریکا هم پیش بینی شده است و در این کشور، متهمانی که در نهایت «محکوم» نشده‌اند، می‌توانند مطالبه جبران خسارات وارده را بنمایند؛ مشروط بر اینکه هیچ نقشی در بازداشت خود، همچون به اشتباه انداختن مأموران تحقیق، نداشته باشند (آشوری، ۱۳۷۶: ۳۵۷-۲۶۵).

آنچه حائز اهمیت است رویکرد قانون اساسی این کشور است که در متمم اول و چهاردهم، دولت را از محدود کردن طرح دعوا علیه دولت برای جبران خسارت از زندانی بی‌گناه، منع نموده است، اگر چه این به منزله مطلق بودن جبران خسارت از زندانی بی‌گناه بدون رعایت شرایط نمی‌تواند تلقی شود، زیرا مؤید این مطلب اصول آئین دادرسی مدنی فراملی آمریکا است که در بند ۲ ماده ۲۵ بیان می‌دارد در صورت وجود دلایل متقن، دادگاه می‌تواند استحقاق دریافت خسارت را محدود یا از صدور حکم در پرداخت آن خوداری نماید چرا که با استناد به بند ۲ این قبیل اقدامات را تقصیر متهم تلقی نموده و به استناد این تفصیلات ارتكابی وی را از دریافت خسارت محروم می‌سازد (Gur, 2002: 54).

در حالی که در حقوق آمریکا به طور مختصر و مفید، عدم امکان مطالبه خسارت ناشی از بازداشت را در صورتی غیرقابل مطالبه می‌داند که، افشا نشدن حقیقت، بخشی یا همگی آن منتسب به خود محکوم علیه باشد و وی در بازداشت خود نقش داشته باشد.

مرجع رسیدگی جبران خسارت در حقوق ایران و آمریکا

در این مبحث به تفکیک مرجع رسیدگی اصلی به خواسته جبران خسارت به زندانی بی گناه در نظام حقوقی ایران و آمریکا مورد بررسی قرار می گیرد.

مرجع رسیدگی به جبران خسارت در حقوق ایران:

با توجه به اصل ۱۷۱ قانون اساسی و قانون آئین دادرسی کیفری مصوبه ۱۳۹۲ دو مرجع برای مطالبه خسارت در حقوق ایران وجود دارد یک کمیسیون استانی دو دادگاه عمومی.

مسئله دادخواهی و شکایت افراد در جهت احقاق حقشان باید در مرجعی قانونی صورت پذیرد. در خصوص خسارات ناشی از بازداشت بی گناهان، قانونگذار به موجب مواد ۲۵۷ و ۲۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری، یک مرجع بدوی و یک مرجع تجدید نظر را پیش بینی کرده است و به فرد بازداشت شده شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی مبنی بر بی گناهی مهلت داده است که درخواست جبران خسارت خود را مطرح نماید. کمیسیون استانی مرجع نخستین رسیدگی به خواسته جبران خسارت ناشی از زندانی بی گناه می باشد. اطلاق عنوان «کمیسیون»، این نهاد قانونی را از شمول مراجع قضایی خارج نمی نماید (نهرینی، ۱۳۹۳: ۸۸). این کمیسیون به عنوان یک مرجع قضایی «اختصاصی» با «ماهیت مدنی» به درخواست های جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت رسیدگی می کند. صلاحیت قید شده در قانون در خصوص کمیسیون های مورد اشاره صرفاً محدود به دعوای جبران خسارت ناشی از زندانی به گناه می باشد (خالقی، ۱۳۹۲: ۲۶۴)، درخواست های که در قانون صراحتاً مختص به فرد زندانی است شامل شهود و سایر اشخاص اعم از شخص ثالث و غیره نمی باشد و دعوای مطالبه خسارت صرفاً از ناحیه فرد بازداشت شده قابلیت رسیدگی در کمیسیون ها را دارد (شایگان، ۱۳۹۷: ۴۷).

مطابق شیوه نامه ماده ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری، کمیسیون استانی و در صورت ضرورت با تشخیص رئیس قوه قضائیه دارای شعب متعدد است. (ماده ۲) کمیسیون استانی، متشکل از سه عضو اصلی و به تعداد لازم عضو علی البدل می باشد و از بین قضات دادگاه تجدیدنظر استان تعیین می گردند. با سابقه ترین عضو به عنوان رییس انتخاب خواهد می شود. کمیسیون فوق دارای یک دفتر است که متشکل از مدیر و به تعداد لازم کارمند به تعیین رییس کل دادگستری استان می باشد. (ماده ۳) کمیسیون ملی، برای رسیدگی به اعتراض نسبت به آرای کمیسیون استانی در دیوان عالی کشور تشکیل می گردد و در صورت نیاز با تشخیص رییس قوه قضائیه دارای شعب متعدد می باشد. کمیسیون فوق دارای سه عضو اصلی و به تعداد لازم عضو علی البدل می باشد و متشکل از رییس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان به عنوان رییس کمیسیون و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور خواهد بود. همچنین، کمیسیون مذکور دارای یک دفتر می باشد که متشکل از مدیر و به تعداد لازم کارمند به تایید رییس دیوان عالی کشور خواهد بود. (ماده ۴).

قضات کمیسیون ملی و کمیسیون استانی توسط رییس قوه قضائیه تعیین می گردند (ماده ۵). عضویت قضات در کمیسیون ملی و کمیسیون استانی حسب مورد منوط به ابقاء ابلاغ آنان در دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان مربوطه است همچنین، عضویت در کمیسیون های فوق مانع فعالیت آنان در دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان به عنوان قاضی نمی باشد (ماده ۶).

با نظر به ماده ۲۵۷ صرفاً آراء کمیسیون استانی از ناحیه فرد متقاضی خسارت قابلیت اعتراض دارد.

برای مثال، نماینده دولت قادر است که اعلام کند تقاضای جبران خسارت خارج از مهلت قانونی می باشد و باید رد گردد یا به یکی از جهات مذکور در ماده ۲۵۶ یا ۲۵۹ استناد نماید و امکان مراجعه‌ی

دولت به مسببین ورود زیان به خزانه‌ی عمومی را فراهم نماید. نکته‌ای که در ارتباط با این تبصره باید به آن توجه کرد این می‌باشد که خسارت موضوع ماده‌ی ۲۵۵ از صرفاً از طریق کمیسیون می‌باشد؛ لذا استفاده از عبارت دادگاه در تبصره‌ی ماده‌ی ۳۴۲ در مورد خسارات موضوع ماده‌ی ۲۶۰ ناظر به ماده‌ی ۲۵۵ را باید حمل بر تسامح کرد (یوسفیان، ۱۳۹۲: ۲۳۶).

به طور کلی می‌توان گفت شکایتی که از طرف شاکی مطرح می‌شود می‌تواند یکی از نتایج زیر را دربر داشته باشد: حکم محکومیت؛ حکم برائت یا قرار منع تعقیب؛ قرار یا حکم موقوفی تعقیب. مطابق با ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ ایجاد امکان جبران زیان ایام بازداشت در صورت صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب از محل صندوق مقرر در ماده ۲۶۰ قانون مذکور صورت می‌گیرد (سیدحاتمی، ۱۳۹۷: ۲۳۰).

مرجع رسیدگی به جبران خسارت در حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا دادگاه‌ها در قالب‌های مستقل فدرال، ایالتی و محلی سازماندهی شده‌اند. و هر ایالت دارای دادگاه‌هایی با صلاحیت عام و دادگاه‌هایی با صلاحیت خاص می‌باشند. در بحث راجع به مسئولیت مدنی قضات، حقوق آمریکا ابتدا تحت تأثیر شدید نظریه مصونیت قضایی رایج در حقوق انگلیس بود و با توجه به دکترین «مصونیت قضایی از مسئولیت مدنی» قضات از لحاظ مدنی ضامن و مسئول اعمالی که به لحاظ سمت قضایی خود انجام داده‌اند نبوده و در برابر هر گونه ادعای مسئولیت از بابت تصمیمات قضایی نا صحیح خود دارای مصونیت بودند (هاوس میننجر، ۱۹۹۰).

در تحولات نظام عدالت کیفری در ایالات متحده، علاوه بر رویه قضایی که برگرفته از نظام کامن لا می‌باشد قوانینی نیز به عنوان منبع دوم حقوق مورد قبول واقع گردیده از جمله قوانین مربوط به رسمیت شناختن حقوق تضییع شده اصحاب دعوا «قانون عدالت برای همه» که در جلسه ۱۰۸ کنگره ایالات متحده در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۰۴ به تصویب رسیده است و در آن تأکید بر جبران خسارت از کسانی شده است که از سوء استفاده از قدرت متحمل صدمه فیزیکی، روانی، آسیب‌های هیجانی، ضرر اقتصادی و لطمه به حقوق اساسی خود شده‌اند.

جبران خسارت از مهم‌ترین حقوق زیان دیده از بازداشتی است که بی‌گناهی وی به اثبات رسیده است چرا که وی در معرض سوء استفاده از قدرت قرار گرفته است و رویه قضایی نیز در آمریکا بر این امر با توجه به آراء متعددی صحه گذاشته است، در ایالات متحده قوانین کاملاً جزء حقوق نمی‌شوند مگر هنگامی که معنای آن با تصمیمات قضایی مشخص شود (صفایی، ۱۳۸۱: ۲۸۸).

ماده ۱۹۸۳ قانون خدمات دولتی ایالات متحده آمریکا بیان می‌دارد «هر کسی یکی از اتباع ایالات متحده و یا شخصی را که در حوزه صلاحیت سرزمینی آن واقع است، از حقوق، امتیازات و مصونیت‌های مقدر در قانون اساسی و قوانین عادی محروم و یا موجبات آن را فراهم آورد، در برابر شخص زیان‌دیده در دعوایی که به خواسته جبران خسارت وارده اقامه می‌گردد، ضامن و مسئول خواهد بود.

قضات آمریکا از اختیار و اعتبار فوق العاده برخوردارند و ضمانت اجرای مدنی در گذشته، هیچ‌گاه نسبت به تخلفات قضات مورد حکم واقع نشده‌اند اگر چه ممکن است استثنائاتی برخوردار شده باشد. لذا در این جهت مسئولیت پرداخت بر عهده دولت است.

با توجه به ساختار نظام قضایی آمریکا مرجع صالح جهت طرح دعوی خسارت در خصوص زندانی بی‌گناه در حقوق آمریکا، دادگاه‌های حقوقی است که معمولاً با حضور هیئت منصفه «mation» که به معنی

درخواست کتبی یا شفاهی است که از دادگاه می‌خواهد تا حکم و دستور خاصی را اتخاذ نماید (Brayan, 2002: 0136) و قضات دادگاه بر اساس موضوع پرونده و وضعیت هر شخص حکم پرداخت خسارت صادر می‌نمایند.

در حقوق آمریکا، امکان مطالبه خسارت هم از طریق مرجع محاکم کیفری یعنی همان دادگاهی که فرد را تبرئه کرده و یا هم از طریق طرح دعوی مدنی علیه دولت امکان پذیر است، طرح دعوی در همان دادگاه کیفری از نظر اقتصادی به صرفه تر می‌باشد، اما ممکن است در این خصوص اعضای هیئت منصفه به دلیل اینکه قبلاً دلایل اتهام و یا رد اتهام در خصوص فرد را بررسی کرده اند دچار شک و شبهه در استحقاق فرد به دریافت خسارت شوند که طرح دعوی مستقل مدنی با برپایی جلسه رسیدگی مجزا این عیب را نداشته، اما تجربه حقوق آمریکا نشان می‌دهد که فرد توانایی گرفتن وکیل و دفاع از خود جهت گرفتن خسارت را ندارد، جدای از طرح دعاوی کیفری یا مدنی، روش دیگر جبران خسارت از طریق نمایندگی ویژه اداری است که متشکل از وکلایی است که ادعای فرد بی گناه را بازنگری و در صورت استحقاق وی به جبران خسارت، آن را تایید می‌نماید لذا مرجع صالح در حقوق آمریکا، دادگاه یا هیئت رسیدگی به این امر می‌باشد که هر ایالت به شیوه متفاوت می‌باشد (Keith, 1976: 722).

مطالبه جبران خسارت در نظام حقوق ایران و آمریکا

در نظام حقوقی ایران و آمریکا، نحوه مطالبه جبران خسارت، مستلزم رعایت شکلی است که در این مبحث به طور جداگانه در هر نظام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نحوه مطالبه جبران خسارت در حقوق ایران:

با عنایت به مفهوم ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی مدنی و آئین نامه شیوه رسیدگی در کمیسیون های جبران خسارت قید واژه متقاضی متفاوت از واژه خواهان می‌باشد لذا به نحوی که شرایط برای ارائه یک دادخواست توسط خواهان وجود دارد بر عهده متقاضی خسارت چنین شرایط وجود ندارد هرچند ماهیت هر دو خواسته ماهیتی مدنی است (پورااستاد، ۱۳۸۷: ۹۷)

ارائه درخواست جبران خسارت

بر اساس مقررات متقاضی جبران خسارت باید ارائه درخواست نماید و بدون ارائه درخواست رسیدگی نیز متصور نخواهد بود، اگر چه آیین نامه مربوطه در ماده ۸ ویژگیهای درخواست جبران خسارت را مشخص و ضمایم آن را تبیین نموده است ولیکن در صورتی که در آیین نامه ابهام باشد مطابق قوانین عامه عمل نماید به هر حال متقاضی افزون بر قید مشخصات خود، دادنامه براءت و یا قرار منع تعقیب را پیوست نماید. درخواست جبران خسارت باید شامل موارد زیر باشد:

الف) نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، مذهب، شماره شناسنامه، شماره ملی، تلفن همراه، پست الکترونیکی، کد پستی، نشانی دقیق متقاضی.

ب) شعبه بازداشت کننده و شعبه صادر کننده قرار منع تعقیب یا رأی براءت قطعی و رونوشت آراء صادره.

پ) مدت بازداشت، میزان و نوع خسارت وارده.

مهلت ارائه درخواست مطابق با ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی کیفری، شخصی که بازداشت شده ظرف ۶ ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی بی گناهی می تواند ادعای جبران خسارت نماید، البته بر این مرور زمان قید شده که بعد از آن زمان فرد را از ارائه درخواست محروم می سازد ایرادی جدی از حیث مبانی حقوقی و شرعی این موضوع در امور مدنی وارد می نماید زیرا موضوع درخواست یعنی جبران خسارت از حیث ماهیت مدنی می باشد بعلاوه مورد بیان شده، ضمانت اجرای درخواست تقدیمی خارج از مهلت در آیین نامه معین نشده است، و این مهلت به نظر می رسد صرفاً برای طرح درخواست در کمیسیون می باشد و منافاتی با مطالبه جبران خسارت از طریق دادگاه عمومی ندارد چرا که مطالبه خسارت مشمول مرور زمان نمی گردد.

رسیدگی و صدور رأی

بعد از ارائه درخواست به کمیسیون در مهلت مقرر، کمیسیون ذیربط به نوبت به پرونده های مطروحه رسیدگی و در صورت نیاز با تعیین وقت، دعوت از متقاضی و نماینده صندوق را صادر می نماید. کمیسیون ابتدا به بررسی انطباق یا عدم انطباق شرایط متقاضی جبران خسارت با ماده ۲۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری نموده و چنانچه موضوع را منطبق با شرایط بیاید اقدام به صدور رأی پرداخت خسارت از محل صندوق مورد نظر می نماید در غیر این صورت قرار رد درخواست را صادر که قابلیت اعتراض در کمیسیون ملی در ظرف بیست روز را دارد.

نحوه مطالبه جبران خسارت در حقوق آمریکا

در خصوص نحوه مطالبه جبران خسارت بازداشت غیرقانونی در حقوق آمریکا بیان صریحی وجود ندارد و لیکن رسیدگی در مرجع صالح جهت مطالبه خسارت در خصوص زندانی بی گناه در حقوق آمریکا (دادگاه های حقوقی) با درخواست کتبی یا شفاهی (motion) صورت می گیرد و با توجه به ساختار نظام قضایی آمریکا، فرد خسارت دیده از دادگاه درخواست می کند تا حکم و دستور خاصی را اتخاذ نماید (Brayan, 2002: 136) و قضات دادگاه بر اساس موضوع پرونده و وضعیت هر شخص حکم پرداخت خسارت صادر می نماید.

در حقوق آمریکا این امکان هم از طریق محاکم کیفری یعنی همان دادگاهی که فرد را تبرئه کرده و با هم از طریق طرح دعوای مدنی علیه دولت امکان پذیر است. طرح دعوا در همان دادگاه کیفری از نظر اقتصادی به صرفه تر بوده، اما ممکن است در این خصوص اعضای هیات منصفه به دلیل اینکه قبلاً دلایل اتهام و یا رد اتهام در خصوص فرد را بررسی کرده اند دچار شک و شبهه ای در استحقاق فرد به دریافت خسارت شوند.

بنابراین در حقوق آمریکا نحوه مطالبه خسارت بدین صورت می باشد که اولاً این دعوا بایستی علیه دولت مطرح شود که مرتکب اشتباه در رسیدگی قضایی شده و ثانیاً این دعوا یا در دادگاه و یا نزد هیأتی مطرح می شود؛ بدین صورت که در برخی ایالات امکان تشکیل هیات برای رسیدگی به این امر وجود دارد؛ بدین صورت که علاوه بر ویسکانسین، در هفت ناحیه دیگر نیز جبران خسارت توسط هیأت امکان رسیدگی دارد؛ این ایالات، ایالت آلاباما، کالیفرنیا، مریلند، نیوهامپشایر، کارولینای شمالی، اوکلاهما و تنسی است، در سایر ایالات جبران خسارت دولت در یک دادگاه صالح انجام می شود.

به هر حال در حقوق آمریکا اصل بر آن است که شخص بی گناه است مگر آنکه پلیس دلیل موجهی برای دستگیری شخص مظنون داشته باشد، بر این اساس مقام تعقیب، بار اثبات عناصر تشکیل دهنده جرم را بر عهده دارد، علاوه بر این حقوقی مانند حق سکوت، تکلیف نداشتن متهم به دفاع از خویشتن و اثبات بی گناهی خود به روشنی بر اصل برائت در این نظام دلالت دارد و زحمت جمع آوری دلایل با دادستان است و در صورتی که بعد از لحاظ کردن مدارک و قرائن، دادگاه و هیئت منصفه هنوز در مورد اتهام فرد مشکوک باشند باید حکم به بی گناهی او بدهند و بدون حتی درخواست فرد جبران خسارت ایام بازداشت وی را لحاظ نموده و بدون درخواست فرد متهم، حکم به پرداخت آن نمایند (Barton, 1996: 563)، به نظر می رسد جبران خسارت از زندانی بی گناه در نظام حقوقی آمریکا چندان به رعایت تشریفات شکلی نیاز ندارد.

نتیجه گیری:

پرداخت خسارت به زندانی بی گناه در نظام حقوقی ایران به عنوان عملی نیک در جهت جبران خسارت از دست رفته از زیان دیده تعبیر می شود.

قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، هرچند با تاخیر با الهام از حقوق تطبیقی نظام فرانسه و کامن لا این موضوع را پذیرفته است و لیکن این نهاد با قواعد فقهی مانند لاضررو اصل برائت مطابقت دارد، تطبیق این موضوع در هر دو نظام حقوقی ایران و آمریکا بیانگر این موضوع می باشد که شباهت هایی در بیان زمینه رابط جبران خسارت وجود دارد و لیکن ساختار کلی قواعد مسئولیت مدنی جبران خسارت در حقوق ایران و آمریکا در ظاهر تفاوت هایی هم دارند.

در حقوق ایران، اولین بار قانونگذار در مواد ۲۵۵ تا ۲۵۹ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، امکان جبران خسارت زندانی بی گناه را بیان و به فرد بازداشت شده اختیار داده است که با رعایت شرایط ایجابی و سلبی که در مواد ۲۵۵ و ۲۵۶ قانون فوق الذکر قید شده است، ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی گناهی خود جهت جبران خسارت ایام بازداشت به کمیسیون استانی درخواست دهد.

حقوق آمریکا در متمم اول و چهاردهم قانون اساسی مطالبه خسارت از دولت را قید کرده و دولت را از ایجاد محدودیت در دعاوی جبران خسارت منع نموده است؛ البته در موارد خاص مطابق با بند ۲ ماده ۲۵ اصول آئین دادرسی فراملی آمریکا در صورت افشاء نشدن حقیقت، بخشی یا همگی منتسب به خود فرد بازداشت شده و خود وی در بازداشت اش نقش داشته باشد مستثنی خواهد بود

در حقوق ایران مرجع رسیدگی به درخواست جبران خسارت به طور اختصاصی کمیسیون استانی و به تبع درخواست مطرح شده در کمیسیون استانی، کمیسیون ملی نیز در صورت اعتراض صلاحیت رسیدگی به موضوع را دارد که البته وجود این امتیاز که قانونگذار به فرد بازداشت شده اعطا نموده، نمی تواند در شرایط خاصی، سلب کننده صلاحیت دادگاه عمومی باشد و لیکن در حقوق آمریکا امکان مطالبه خسارت هم از طریق مرجع کیفری یعنی همان دادگاهی که فرد را تبرئه نموده و هم از طریق مرجع دعوی مدنی علیه دولت امکان پذیر است و صرف نظر از مرجع کیفری و مدنی، از طریق نمایندگی ویژه اداری (هیئت رسیدگی) که ادعای فرد بی گناه را بررسی می نمایند نیز امکان مطالبه خسارت وجود دارد.

در خصوص قلمرو محاسبه خسارت اعم از مادی و معنوی نظام حقوقی آمریکا از نظام حقوقی ایران کامل تر و لیکن در خصوص نحوه مطالبه خسارت زندانی بی گناه در حقوق آمریکا، تصریح وجود ندارد، این در حالی

است که در حقوق ایران و بالاخص در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و آئین نامه های مربوطه این موضوع به صراحت بیان شده است. به هر حال تطبیق این موضوع در هر دو نظام حقوقی مؤید آن است که قوانین هردو نظام ابهاماتی دارند که در برخی موارد می توانند موجب تعارض آراء و رویه ها شوند.

- ۱- آشوری، محمد، عدالت کیفری، مجموعه مقالات، چاپ اول، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶.
- ۲- پروین، فرهاد، خسارت معنوی در حقوق ایران، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۳- پور استاد، مجید، اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳، ۱۳۸۷.
- ۴- خادم سربخش. مهدی، سلطانی نژاد. هدایت الله، اصل قابلیت جبران کلیه خسارت، مجله مبانی فقهی حکومت اسلامی، سال ششم، شماره دوازدهم، ۱۳۹۲.
- ۵- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، چاپ سیام، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵، ص ۲۶۴.
- ۶- خوافیان چمن آبادی، حسن، حبران خسارت ناشی از بازداشت متهمین بی گناه در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور کرج، ۱۳۹۳.
- ۷- سید حاتمی، مریم، کریمیان، فاطمه، خسارت ناشی از بازداشت با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان، فصل نامه پژوهش های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، سال اول، شماره اول، ۱۳۹۷.
- ۸- شایگان. اسماعیل، آشوری، محمد، نظام حقوقی جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی گناه، پژوهشی در حقوق ایران و حقوق تطبیقی، مجله پژوهش های حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲۳، ۱۳۹۷.
- ۹- صفایی، حسین، مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی، تهران، مرکز تحقیقات، ۱۳۵۵.
- ۱۰- صفایی، سید حسین، درآمدی بر حقوق تطبیقی در دو نظام حقوقی معاصر، انتشارات میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.
- ۱۱- صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، ۱۳۵۰.
- ۱۲- محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۰.
- ۱۳- منصور آبادی، عباس، «بار اثبات شرایط مساعد به حال متهم»، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- ۱۴- مهمان نواز، روح الله، خسارت قابل جبران در حقوق ایران، انتشارات آثار اندیشه، ۱۳۸۸.
- ۱۵- نهرینی، فریدون، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- ۱۶- هاوس منینجر، کریستین، ترجمه محمد جواد میر فخرائی - مسئولیت مدنی داوران مطالعه ای تطبیقی همراه با پیشنهادهای اصلاحی، ۱۹۹۰.
- ۱۷- یوسفیان، بهنام، نگرش تطبیقی به جبران خسارت وارد شده بر محکومان بی گناه از نظر تا واقعیت، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲، ۱۳۹۲.

منابع غیر فارسی:

18- Baar, Carl , National Center for State Courts .Separate but Subservient: Court Budgeting in the American States (Lexington Books) ,1995.

- 19- Bam, Dmitry , Understanding Caperton: « Judicial Disqualification Under The Due Process Clause » , Stanford Center on the Legal Profession , 2012.
- 20- Barton, ingraham, the right of silence, the presumption of innocence, the Burden of proof and a modest proposal, journal of criminal law and criminology, Vol.86, Issue 2, winter,1996.
- 21- Brayan A. Black, Law dictionary, carner, west. Group-eighth , edition, 2002.
- 22- Cytryn Steven M. quilty until proven innocent providing effective relief to the actually innocentin NewYork, Vol.10,2012
- 23- Dobbs, B, Dan, Law of remedies: damages, equity, restitution , West Pub,1993.
- 24- Dobbs, B, Dan, Law of remedies: damages, equity, restitution, West Pub, 1993, Usa.
- 25- Ferejohn , John «Dynamics of Judicial Independence: Independent Judges, Dependent Judiciary»» .Stanford University.New York University School of Law.November, 1998.
- 26- George, E. Tracy,« Judicial Independence and the Ambiguity of Article III Protection,OHIO State Law Journal , vol.64 , 2003.
- 27- Gur.Arie .Mira .Wheeler .Russell .«Judicial Independence in the United States» , Current Issues and Relevant Background Information,2002.
- 28- keith s. Rosenn, compensating the innocent accused, Ohio state law journal (Mortiz College of law), Volume 37, Issue4,1976.
- 29- Keith S., Rosenn, Compensating the Innocent Accused, Ohio State Law Journal (Moritz College of Law), Volume 37, Issue 4, 1976.
- 30- Klerman, Daniel M. & Paul G. Mahoney ,«The Value of Judicial Independence: Evidence from Eighteenth Century England » , American Law and Economics Review, vol. 7 no. 1.
- 31- Layne, Daniel, Compensation for miscarriages of justice, LLB Dissertation,Nottingham Law School, Nottingham Trent University, UK. Available at Internet J of Criminology, Undergraduate and Masters Criminology Dissertations, 2010.
- 32- Mastel, Greg ,American Trade Law, NewYork Publication, Second Edition.2015.
- 33- Omri Ben-Shahar , Ariel Porat ,Fault in American Contract Law, Cambridge University press..
- 34- The amrican Law istitute / Unidroit, Principles and rules of transnatinl civil procedures, Washington D.c. , Cambridge University Press. 2004.
- 35- The U.S. Legal System: A Short Description , from : Federal Judicial Center,ibid.
- 36- Usa.Layne, Daniel, Compensation for miscarriages of justice, LLB Dissertation, Nottingham Law School, Nottingham Trent University, UK. Available at Internet J of Criminology, Undergraduate and Masters CriminologyDissertations, 2010.